

## تاریخ معاصر ایران

## نامه مناقشه برانگیز

*امیدپاسازاد*

غروب روز ۲۶ محرم سال ۱۲۶۸ ه‍. ق. (همان روزی که فرمان خلع میرزا تقی خان امیرکبیر از تمام مناصب و القاب در روزنامه وقایع اتفاقیه منتشر شد) یکی از مستخدمان مورد اعتماد امیر نزد جاستین شیل (وزیر مختار بریتانیا) رفت. او به نوشته عباس امانت در «قبله عالم»: «سند عجیبی ظاهراً به خط صدراعظم معزول و حال در بند همراه داشت که در آن «هرگونه حق یا درخواست برای کسب حمایت از سفارت انگلستان یا هر کنسولگری انگلیسی را از خود سلب می کرد.» اما شگفت انگیزتر از خود سند واکنش شیل بود زیرا وی به سهولت این ادعای مستخدم مذکور را پذیرفت که این سند مطابق «میل باطنی و واقعی» امیرکبیر و «کاملاً حیاتی و به صلاحش» است و «به زور یا تهدید از وی گرفته نشده است.» آنگاه دیپلمات مجرب انگلیسی با مهر و امضا کردن بدون تأمل این سند امیرکبیر را گام دیگری به «سرنوشت محتوم» اش نزدیک‌تر برد. ((امانت ص۲۲۷ – عبارات داخل گیومه از گزارش ۲۲ نوامبر ۱۸۵۱ (۲۷ محرم) شیل به پالمرسون نقل شده است. )

**عریضه**

پرنس دالگوروکی وزیرمختار روسیه نیز سند مشابهی دریافت کرد اما حاضر نشد آن را بپذیرد. او این احتمال را در نظر گرفت که سند را به زور از امیر گرفته باشند. هرچند تنها نتیجه عدم پذیرش دالگوروکی این بود که بدگمانی شاه نسبت به امیر بیشتر شد.

از جمله مهمترین اختلافاتی که میان روایت‌های آدمیت و امانت وجود دارد او در طول سال گذشته مناقشات قلمی فراوانی را برانگیخته‌است) نامه‌ای است منسوب به امیر که ضمیمه گزارش ۲۲ نوامبر شیل به پالمرسون بوده است. این نامه را امانت در روایت خود آورده ولی آدمیت به آن هیچ اشاره‌ای نکرده است. ابتدا متن نامه را که امیر روز ۲۷ یا ۲۸ محرم به شیل (نوشته) به نقل از کتاب امانت بخواهید:

«آن جناب اغلب گفته‌اند که از جانب دولت انگلیس خاصه دستور دارند ضعفا و ستمدیرگان را محاصدت فرمایند. من امروزه در ایران احدی را نمی شناسم که از خود من ستمدیده‌تر و بی کس تر باشد. این مختصر را در دم آخر (پیش از عزیمت به تبعید کاشان) به شما می نویسم. من بدون هیچ تقصیری نه فقط از مقام و منصب خود معزول بلکه ساعت به ساعت در معرض مخاطرات تازه می باشم. افراد ذی نفع که دور شاه حلقه زده‌اند به این اکتفا ندارند که غضب همایونی تنها شامل حال من شود، بلکه اولیای دربار را چنان بر ضد من برانگیخته‌اند که دیگر امید بی جان خود و عائله و برادرم ندارم. علی‌هذا من و خویشان و برادرم خود را به دامن حمایت دولت بریتانیا می اندازیم. اطمینان دارم که آن جناب به معاصدت اقدام می کنند و طبق قواعد انسانیت و شرافت به طرزی شایسته تاج و تخت بریتانیای کبیر و شان ملت انگلیس در حق من و خانواده و برادرم عمل خواهید فرمود. فقدان هرگونه تقصیر این جانب از یادداشت رسمی وزیر امور خارجه [بریتانیا] به وزیر خارجه این دربار مشهود است. دیگر توان (با مجال) نوشتن ندارم.» (امانت، صص ۲۲۸ و ۲۲۹ – امانت یادداشت‌های مربوط به همین نامه از آدمیت انتقاد کرده که از گزارش شیل و تصمیمات فراوان استفاده می کند ولی هیچ اشاره‌ای به ضمیمه شماره ۵ (عریضه امیر به شیل) نمی کند. او می نویسد: «فریدون آدمیت که امیرکبیر را بی حد می ستاید از این قبیل برگزیدن و دستچین کردن‌ها زیاد دارد. چهره امیرکبیر هر چقدر هم مستأصل و مایوس اما ناتاریخی باشد، باز زندگینامه نویسن نمی تواند اجازه دهد قهرمانش به سفارتخانه‌ای خارجی پناه ببرد. آن هم سفارت انگلیس.»)

متن اصلی این نامه مناقشه‌انگیز در دست نیست. تنها دو ترجمه از آن در اسناد وزارت خارجه بریتانیا وجود دارد. یکی را چنانکه دیدیم ضمیمه گزارش خود کرده است. اما دومی به شش سال بعد مربوط می شود. موری (جانشین شیل) در جنگال مربوط به پناهندگی هاشم خان نوری و همسرش به سفارت انگلیس در سال ۱۸۵۷ میلادی، ترجمه‌ای دیگر از نامه امیر به وزیر خارجه بریتانیا می فرستد تا یادآوری کند مسالحت انگلستان در حفظ رسم اعطای پناهندگی است.

نکته دیگر در مورد این نامه عدم مطابقت تاریخ‌ها است. امانت خود در پائوس می نویسد : تاریخ نامه پنجشنبه ۲۸ محرم سال ۱۲۶۸ ، ۲۲ نوامبر ۱۸۵۱ است. تاریخ میلادی متقارن با پنجشنبه است ولی ۲۸ محرم به جمعه می افتد. بعید نیست این تفاوت در نتیجه بد خواندن تاریخ به خط فارسی روی داده و تاریخ ۲۷ محرم بوده است. متفقدانی که این نامه را مخدوش و غیرقابل استناد می داندند، از جمله به موضوع خدشه‌ای که در تاریخ نامه وجود دارد اشاره می کنند. به نظر می رسد حتی اگر این نامه را مخدوش بدانیم، اینکه آدمیت هیچ اشاره‌ای به آن نکرده است قابل توجیه نیست. شیوه‌ای که آدمیت در سراسر کتابش به کار گرفته (و از قضا به همین دلیل کتاب «امیرکبیر و ایران» در زمره بهترین پژوهش های تاریخی مربوط به دوران قاجاریه در آمده) نادیده گرفتن ادعاها نیست. بارها در این کتاب روایت‌های مختلف در مورد یک واقعه با هم مقایسه شده و احتمالات مختلف در نظر گرفته شده است. (مثلا نگاه کنید به بخش مربوط به قتل امیر در فین کاشان. ) از آنجا که تقریباً محال است آدمیت به هنگام بررسی اسناد وزارت خارجه انگلیس ترجمه نامه امیر را ندیده باشد، باید بپذیریم که عمداً به آن اشاره نمی کند. موارد مشابه دیگر که پیش تر به آن اشاره شد موید این احتمال است.

**■ وزرای مالیه معاصر میلسیو واقدامات او**

میلسیو که از ۲۰ مرداد ۱۳۰۱ وارد مالیه شد تا زمانی که به علت اختلاف با رضاشاه در ۱۲ مرداد ۱۳۰۶ ایران را ترک کرد با ۹ نفر از وزرای دارایی (مالیه) ایران کار کرد که عبارت بودند از خلیل فهیمی، میرزا حسن هدایت، علیرضا بهاءالملک، محمدعلی فروغی، محمود جم، مرتضی قلی‌خان بیات، حسن وثوق، حسن اسفندیاری و فیروز فیروز (نصرت‌الدوله). اقداماتی که او انجام داد عبارت بودند از این که در ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ وقتی مجلس شورای ملی مخارج تاجگذاری رضاشاه را به مبلغ یکصد هزار تومان تصویب نمود، او که رئیس کل خزانه بود موافقت کرد این پول را در اختیار دولت بگذارند و شاه در ۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ خزانچه در تیرماه ۱۳۰۵ وقتی که در خراسان نظامیان به علت نرسیدن حقوق دست به شورش زدند، رضاشاه را می خواست برای رسیدگی به این امر به خراسان برود تقاضای یکصد هزار تومان از میلسیو کرد تا هزینه سفر کند ولی میلسیو آن را به شاه نداد. از آن زمان رضاشاه مصمم شد که ترتیب لغو قرارداد استخدام میلسیو را فراهم سازد. لذا محرمانه به رئیس مجلس توصیه کرد که قرارداد او لغو شود. با آنکه به توصیه وزیر دارایی (محمدعلی فروغی) مبلغ پنج میلیون دلار وام از بانک‌های آمریکا تقاضا شده بود میلسیو در رسانیدن اعتبارات سستی می کرد. بالاخره مجلس شورای ملی در خرداد ۱۳۰۶ همرزمان با وزرات مالیه فیروز فیروز (نصرت‌الدوله) فرزند فرمانفرما قرارداد خدمت میلسیو را لغو کرد و میلسیو در اواخر خرداد با ۱۳۰۶ به خدمت خود خاتمه داد و در ۱۲ مرداد ۱۳۰۶ از ایران خارج شد و اختیارات او به حاج‌مخیرالسلطنه هدایت نخست‌وزیر منتقل شد. فیروز فیروز (نصرت‌الدوله) چون مورد شک رضاخان واقع شده بود با تمام خدماتی که به رضاشاه کرد بازداشت و در زندان سمنان به طور مرموزی کشته شد. همزمان با تصدی میلسیو کارهایی نیز در مملکت صورت گرفت که در نتیجه اقدامات وزرای مالیه بود و میلسیو دخالتی در آنها نداشت. از جمله تاسیس اولین بانک قشون (بانک سپه) که سرمنشأ آن از کسور بازنشستگی ارتش ایجاد شد و سرهنگ امیرخسروی به ریاست آن رسید. (۱ اردیبهشت ۱۳۰۴) (همزمان با وزرات مالیه محمدعلی فروغی) در زمان وزارت دارایی نصرت‌الدوله فیروز قانون تاسیس راه‌آهن در اسفند ۱۳۰۵ به تصویب رسید و مقرر شد که برای ساخت راه‌آهن وزارت مالیه بر هر سه کیلو فند و شکر (۲ ریال) و هر سه کیلو چای شش ریال حقوق انحصاری وضع شود تا از مجموع این پول‌ها راه‌آهن ایران ساخته شود. بعد از عزل نصرت‌الدوله فیروز، حاج‌مخیرالسلطنه هدایت نخست‌وزیر اختیارات و مالیات مالیه را در سر گرفت.

**■ نظری به ولایات‌های مصوب در ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴**

در زمان وزارت مالیه محمدعلی فروغی در ۱۴ مهر ۱۳۰۳ لایحه مالیات وسایط نقلیه به شرح زیر تصویب شد:

۱ – کالسکه و درشکه کرایه با چرخ زین ماهیانه ۱۵ قران
۲ – کالسکه یا درشکه با چرخ آهنی ویژه حمل بار و مسافر ماهیانه ۲۰ قران
۳ – درشکه اربابی با چرخ زین ماهیانه ۲۰ قران
۴ – اتوبیل اربابی (سواری) ماهیانه ۷۰ قران
۵ – اتوبیل کرایه ماهیانه ۵۰ قران
۶ – چهارچرخه بارکش ماهیانه ۱۰ قران
۷ – گاری ماهیانه ۴۰ قران
۸ – الاغ سواری ماهیانه ۲ قران
۹ – اسب، قاطر و شتر ماهی ۲/۵ قران

کلیه وسایل نقلیه (وسایط نقلیه) که وارد شهر می شوند به جز آنکه مالیات ماهانه می داندند در تهران در هر مرتبه مالیاتی به شرح زیر در هنگام ورود از دروازه شهر باید پرداخت می کردند:

۱ – گاری دواسبه چهار چرخ
۲ – گاری چهاراسبه پنج قران
۳ – درشکه و کالسکه دواسه پنج قران
۴ – اتوبیل پانزده قران
۵ – اتوبیل بارکش ده قران
۶ – الاغ بارکش و کرایه ۲۰۰ دینار
۷ – موتورسیکلت یک قران
**■ وضع مالیه از ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰**

از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰، ۱۰ نفر به شرح زیر به وزارت مالیه رسیدند:

۱ – مرتضی قلی‌خان بیات (سهام السلطان)
۲ – حسن اسفندیاری
۳ – فیروز فیروز (نصرت‌الدوله)
۴ – حاج‌مخیرالسلطنه هدایت با حفظ سمت نخست‌وزیری
۵ – محمدعلی فروزین
۶ – حسن مشار
۷ – سیدحسن تقی زاده
۸ – علی‌اکبر داور
۹ – محمود بدر
۱۰ – سرتیپ رضاقلی امیرخسروی

مهمترین فعالیت وزرای مالیه از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ با فهرست‌وار شرح می دهیم:

۱۳۰۵ : در زمان وزارت نصرت‌الدوله فیروز نرخ پوند (لیبره) بین ۴۳ تا ۵۲ قران در نوسان بود. ۱۳۰۶ (۵ اردیبهشت) در زمان وزارت مالیه نصرت‌الدوله و وزارت عدلیه داور حقوق قضات برابر اشل جدید به این ترتیب بالا رفت که برای اراضی زیر یک پنجاه تومان و قاضی زیر پانزده چهارصد و پنجاه تومان حقوق تعیین شد و نصرت‌الدوله تأمین بوجه آن را تقبل کرد.

نصرت‌الدوله فیروز عبارت بودند از :

۱۳۰۶ (۱۴ اردیبهشت): قانون شایع بانک ملی ایران برای پیشرفت تجارت، فلاحت و صناعت به تصویب مجلس شورای ملی رسید. ۱۳۰۶ (۲۸ بهمن): مجلس شورای ملی با لایحه تقدیمی نصرت‌الدوله فیروز به مجلس جهت بالا بردن حقوق وکلا از دویست به سیصد تومان در ماه موافقت کرد. ۱۳۰۷ (۳ اردیبهشت): مجلس بر طبق پیشنهاد نصرت‌الدوله وزیر مالیه برای عیال سیدجمال‌الدین واعظ ماهیانه ۲۰۰ قران مستمری وضع نمود. ۱۳۰۷ (۲ اردیبهشت): دکتر لنیند پلات آلمانی متخصص در امور مالیه بعد از اخراج میلسیو به عنوان مدیرکل بانک ملی ایران به استخدام دولت درآمد.

۱۳۰۷ (اردیبهشت): کل وسایط نقلیه در تهران به این شرح بود: اتوبیل شخصی ۴۹۰ دستگاه، اتوبیل کرایه‌ای ۱۰۹۹ دستگاه و درشکه‌های کرایه‌ای ۴۵۹ دستگاه.

۱۳۰۷ (۲۰ شهریور): بانک ملی ایران با سرمایه دو میلیون تومان شروع به کار کرد.

**■ مهم‌ترین فعالیت‌ها در زمان وزارت حسن مشار**

۱۳۰۹ (۱۲ فروردین): مالیات وسایط نقلیه بر طبق پیشنهاد حسن مشار وزیر مالیه و تصویب مجلس و نظارت اداره‌آلات ناله (عبور و مرور) مایه‌های و رانندگی که در زیرنظ نظمیه بود به شرح زیر به مورد اجرا گذاشته شد : ۱ – اتوبیل‌های

## تاریخ

مالیه و فساد مالی در تاریخ معاصر ایران

# اصلاحات در بن بست

*سیروس غفاریان*



سواری شخصی و کرایه سالیانه ۱۲۰ تومان
۲ – کامیون‌ها و اتوبوس‌ها سالیانه ۱۸۰ تومان
۳ – گاری و دلیجان سالیانه ۳۶ تومان
۴ – کالسکه و درشکه سالیانه ۳۶ تومان
۵ – عرایه‌های دواسبه سالیانه ۱۸ تومان
۶ – موتورسیکلت سالیانه ۱۲۰ تومان
مالیات بر کسبه و تجار به شرح زیر وضع شده:
تاجر درجه یک سالیانه ۲۵۰ تومان، تاجر درجه دوم سالیانه ۱۵۰ تومان، تاجر درجه سوم سالیانه ۸۰ تومان، تاجر درجه چهارم سالیانه ۳۰ تومان، صنف درجه اول سالیانه صد تومان، صنف درجه دوم ۴۸ تومان، صنف درجه سوم ۱۸ تومان، طبیب و وکیل عدلیه درجه اول در تهران ۱۲۰ تومان و در ولایات ۶۰ تومان، درجه دوم در تهران ۴۸ تومان و در ولایات ۲۲ تومان، درجه سوم در تهران شش تومان و در ولایات سه تومان.

۱۳۱۳ (۲۰ مهر): آرمگاه فردوسی که تمام بودجه ساختمان آن را وزارت مالیه پرداخت کرده بود هنگام جشن هزاره فردوسی افتتاح شد. در همان روز خیابان علاءالدوله به فردوسی تغییر نام یافت.

۱۳۱۳ (۱۵ بهمن): سنگ بنای دانشگاه تهران در اراضی جلایله نصب شد. زمین دانشگاه در منطقه جلایله به مبلغ یکصد هزار تومان از حاج رحیم اتحادیه تبریزی به متری پنج ریال خریداری شده بود. این زمین به مساحت دویست هزار متر قبلاً متعلق به جلال‌الدوله فرزند ظل‌السلطان بود.

علی‌اکبر داور همانطور که در عدلیه (دادگستری) اصلاحاتی را به عمل آورده بود، پس از انتقال به مالیه که به‌تازگی «دارای» نام گرفته بود، افراد مختصص را به این وزارتخانه دعوت به همکاری کرد. مهم‌ترین این افراد عبارت بودند از:
الهییار صالح و دکتر علی امینی. او برای قناعت و بازنشستگی کارمندان دولت، اداره جداگانه‌ای در وزارت دارایی ایجاد کرد و دستور داد تا دفاتر منظمی جهت ثبت کسور بازنشستگی کارمندان دولت تنظیم کند. در تیرماه ۱۳۱۴ شرکت سهامی قند و شکر ایران را جهت نظارت بر خرید، فروش و واردات قند و شکر در وزارت دارایی ایجاد کرد. در ۱۰ تیر ۱۳۱۴ سازمان غله و نان را تجدید سازمان کرد. در شهریور ۱۳۱۴ شرکت سهامی بیمه ایران را تاسیس کرد و در ۲۴ آبان ۱۳۱۴ داور هنگام افتتاح آن، سخنه خود را بیمه آتش سوزی کرد و نخستین بیمه‌نامه‌اش سوزی به نام او در تاریخ ایران به ثبت رسیده‌است. در ۱۴ آذر ۱۳۱۴ نخستین بیمه‌نامه حمل و نقل نیز صادر شد. در ۱۳۱۵ بیمه‌نامه عمر، حوادث و اتومبیل کار خود را آغاز کرد. در این موقع سرمایه بانک ملی ایران به سیصد میلیون ریال رسید. در دوم اردیبهشت ۱۳۱۵ عمارت بانک ملی ایران در خیابان فردوسی با حضور داور افتتاح و سرتیپ امیرخسروی مدیرکل بانک از مدعوین داخلی و خارجی پذیرایی کرد. متعاقب این اقدامات شرکت سهامی فرش و بانک فلاحت نیز تاسیس شد. وزارت دارایی با ایجاد اداره نفت و امتیازات و شرکت سهامی چای و شایلات و غیره به صورت یک وزارتخانه مادر درآمد اما به تدریج در طول چهل سال این وزارتخانه برای آنکه بتواند به امر مالیات پردازش ادارات غله، چای و شایلات را از خود جدا کرد و آنها به تدریج به صورت شرکت‌های جداگانه‌ای درآمدند ولی فقط تا سال ۱۳۵۷ اداره نفت در وزارت دارایی وجود داشت. زیرا در آن زمان وزیر دارایی در انعقاد کلیه قراردادهای نفتی مسئولیت مستقیم داشت. ایجاد دبیرستان دارایی برای تربیت کادر وزارت دارایی از اقدامات دیگر او بود. او به گمرکات و اداره انحصار تریاک که جزئی از دارایی بودند سر و صورتی داد. در ۱۳۱۵ بهمن ۴ داور به ملاقات شاه می رود و شاه به شدت به او پرخاش می کند. داور پس از بازگشت به منزل با تریاک خودکشی می کند. او هنگام مرگ از مال دنیا چیز یک خانه سکونی چیزی نداشت و در جیب کت او بیست وپنج تومان وجه نقد پدا کردند.
مطلبین به مسائل سیاسی معتقدند که او به بازگشت به منزل فکر می کرد که مانند دوستانش تیمورتاش و نصرت‌الدوله پس از تحمل درد و رنج در زندان خواهد مرد. لذا خودکشی را برگزید. در ۲۱ بهمن ۱۳۱۵ جراید نوشتند که داور سکنه کرده است.

بعد از مرگ داور، محمود جم نخست‌وزیر، محمد بدر را به عنوان وزیر دارایی معرفی کرد. محمود بدر که سابقاً در گمرک و دارایی منشی مستشاران بلژیکی بود در زمان علی اکبر داور معاون کل وزارت دارایی شد. او از تجربه مرگ داور درس گرفت و با احتیاط کار می کرد و به کارهایی نمی پرداخت که مورد ستوأل شاه واقع شود. او تا اوایل آبان ۱۳۱۸ که دکتر مشین دفتربی به نخست‌وزیری رسید عهده‌دار وزارت دارایی بود. متین دفتری، سرتیپ رضاقلی امیرخسروی را به وزارت دارایی رسانید. او تا سوم شهریور وزیر دارایی بود.

۱۳۱۰ (۲ آبان): وزارت مالیه مجاز شد که مبلغ سه میلیون به صورت هزرتومان علاوه بر اعتبارات گذشته از محل عایدات قند و شکر برای خرید مصالح ساختمان راه‌آهن به وزارت طرق و شوارع (راه) پرداخت نماید. ۱۳۱۱ (اول فروردین): وزارت مالیه واحد پول ایران را از قران به ریال تبدیل کرد و از این تاریخ اسکناس‌های ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰، ۱۰۰، ۵۰۰ و هزار ریالی چاپ و توزیع شد. ۱۳۱۱ (۱۰ آذر): تقی‌زاده اعلام کرد که امتیاز داری لغو شده. بعدها توسط تقی‌زاده در این قرارداد تجدیدنظر شد و مدت قرارداد اضافه شد ولی حق امتیاز ناچیزی به دولت ایران رسید. بعد از شهریور ۱۳۲۰ در مجلس شورای ملی به تقی‌زاده به شدت حمله شد و او جواب داد که من آلت فعل را بدوم.

**■ مهم‌ترین فعالیت‌های علی اکبر داور**

وزیر مالیه بود. در زمان او به سال ۱۳۱۴ فرهنگستان نام وزارت مالیه را به داری تغییر داد. ۱۳۱۲ (۵ مهر): با صلاحدید رضاشاه و دستور داور وزیر مالیه علی اصغر زرین کشش به سمت کمیسر نفت در لندن به جای مرحوم میرزاعیسی‌خان فیض انتخاب شد. ۱۳۱۲ (۲۰ مهر): به دستور رضاشاه و حکم علی اکبر داور وزیر مالیه سرهنگ رضاقلی‌خان امیر خسروی رئیس بانک سپه (بانک قشون) با حقوق ماهانه یک هزار تومان به ریاست کل بانک ملی ایران منصوب شد. او بعد از این انتصاب به درجه سرتیپ رسید.

۱۳۱۳ (۲۲ اردیبهشت): علی اکبر داور وزیر مالیه کترات (قرارداد) کلیه کارمندان بلژیکی گمرکات را لغو و دکتر محمد سجادی را به ریاست کل گمرکات ایران منصوب کرد. ۱۳۱۳ (۵ مرداد): ساختمان جدید اداره پست در خیابان سپه اول توپخانه (امام خمینی فعلی) که پنج میلیون ریال



**■ وضعیت وزارت دارایی از ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲**

در شهریور ۱۳۲۰ پس از حمله متفقین و تبعید رضاشاه و اشغال ایران قیبت همه چیز گران شد. کابینه محمدعلی فروغی و وزرای دارایی او مانند عباسقلی گلشایان و دکتر حسن شرف‌نقیسی قادر به کنترل قیمت‌ها نبودند. زمانی که در ۱۳۱۸ جنگ جهانی دوم آغاز شده بود گندم از خرواری پانزده تومان به بیست تومان رسید. زمانی که کشور اشغال شد گندم به خرواری دویست تومان رسید و چون مردم از ترس جنگ از تهران فرار می کردند قیمت کرایه سرسام‌آور بالا رفت به طوری که کرایه تهران، قزوین که پانزده ریال بود به پانزده تومان رسید و کرایه اتومبیل دروست از تهران به همدان که چهل تومان بود به سیصد تومان افزایش یافت. طلا از مثقالی دو تومان به ۶۰ تا ۷۰ تومان و قیمت اتومبیل سواری بیوک به هشتاد هزار تومان رسید. مرغ از قطعه‌ای ۵ قران به قطعه‌ای سه تومان ترقی کرد. در چنین شرایطی با دستور دکتر حسن مشرف‌نقیسی وزیر دارایی و با تصویب هیات‌وزیران نرخ لیره از ۶۸ ریال ۱۴۰ ریال و نرخ دلار از ۲۵ تا ۳۰ ریال افزایش یافت. در ۸ اسفند ۱۳۲۰ در کابینه علی سهیلی وزیر وقت دارایی یعنی محمود بدر به بانک ملی ایران دستور داد که برای رفع احتیاج قشون خارجی مبلغ هفتاد میلیون اسکناس منتشر کند. بعد از پانزده سال که از رفتن دکتر میلسیو می گذشت، باقر کاظمی وزیر دارایی کابینه احمد قوام (قوام‌السلطنه) دوباره برای سروسامان دادن به دارایی مملکت از دکتر میلسیو دعوت به عمل آمد. لذا دکتر میلسیو در ۲۱ آبان ۱۳۲۱ وارد تهران شده و در هتل دربند اقامت کرد. میلسیو به شرط گرفتن سالیانه هجده‌هزار دلار (۶۴۰ هزار) تومان به اضافه مخارج رفت و آمد به آمریکا مشغول کار شد و متعاقب آن کلنل شوارتسکف آمریکایی نیز برای مستشاری ژاندارمری به استخدام دولت ایران درآمد. باقر کاظمی که وضع را وخیم‌تر دید استعفا کرد و الهییار صالح به وزارت دارایی رسید. او در دو کابینه قوام و علی سهیلی عهده‌دار وزارت دارایی شد. اما اختلافات شدید با میلسیو باعث استعفا ی وی در اوایل اردیبهشت ۱۳۲۲ شد. جانشینان صالح یعنی سهام‌السلطان بیات و امان‌الله اردلان تسلیم دکتر میلسیو بودند.

میلسیو که همه امور دارایی را در دست خود گرفته بود مدت کار وزرای دارایی می شد. در زمان او نان سیلو برای ارتقا مردم تهران ایجاد شد. خیابان تهران در مهرماه ۱۳۲۲ اعلام کردند که از دولتی آن قدر مخطوط دارد که جای قبول هیچ ماده خارجی حتی خاک‌آب را پس از ریزش ندارد. در ۱۳۲۲ زمانی که میلسیو علاوه بر وزارت دارایی در کار ابوالحسن ابتهاج رئیس کل بانک ملی نیز دخالت می کرد، دکتر مصدق نماینده مجلس اظهار داشت که نباید به بیگانگان آن قدر میدان و امتیاز داد. پس از این جبهه گیری و اظهارنظر دکتر مصدق که خود از نظریه پردازان و متخصصان امور حقوقی و مالی بود، در ۲۷ دی ۱۳۲۲ در زمان کابینه ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک و وزارت دارایی عبدالحمین هزیر)، دکتر آرتور میلسیو استعفا کرد و در ۹ اسفند ۱۳۲۲ تهران را ترک کرد در حالی که حقوق خود را تا آخر دی‌ماه ۱۳۲۴ به هزینه سفر دریافت کرده بود. در ۱۲ آبان ۱۳۲۳ کلیه مستشاران دارایی با موافقت عبدالحمین هزیر به خدمت خود خاتمه داندند.

**■ وضع دارایی از رفتن میلسیو تا پایان حکومت مصدق**
وقتی که قوام در ۱۰ مرداد ۱۳۲۵ به نخست‌وزیری و عبدالحمین هزیر به وزارت دارایی رسید دولت علاوه بر وضع مقررات مربوط به مالیات غیرمستقیم در تبصره بودجه سال ۱۳۲۵ مقرر کرد که از اتوبیل‌های سواری شخصی علاوه بر عوارض دریافت مالیاتی‌ها به ترتیب زیر اخذ شود. الف: اتوبیل‌های کوچک از قیل رنو، واگسپان، فولکس واگن، جیب و جیب‌استیشن ماهیانه یکصد ریال. ب: اتوبیل‌های متوسط از قبیل شورتل، فورد، پلیموت ماهیانه ۲۰۰ ریال. ج: اتوبیل‌های لوکس از قبیل کادیلاک، بیوک، کرایسلر ماهی ۳۰۰ ریال.

در این قانون صراحت داشت که عمر اتومبیل از سال ساخت تا پنج سال محسوب می شود و بعد از آن به آن مالیاتی تعلق نمی گیرد. چون وضع مالی دولت بعد از جنگ هر روز بدتر می شد، وزیر دارایی کابینه ساعد به نام گلشایان درصدد تجدیدنظر در قرارداد ۱۹۳۲ (قرارداد تقی زاده با شرکت نفت ایران و انگلیس) بود ولی اعضای جبهه ملی به ریاست مصدق در مجلس پیشنهاد ملی شدن نفت را مطرح کردند. نفت بالاخره در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ملی شد. حسین علا نخست‌وزیر و وزیر دارایی یعنی محمدعلی واصلین قادر به حل مسئله نفت نبودند. لذا مجلس در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ به مصدق رای اعتماد داد و شاه مجبور شد که او را به نخست‌وزیری انتخاب کند. از آنجایی که کشور در محاصره اقتصادی بود و انگلستان مانع فروش نفت ایران بود دولت مصدق در ۱۳ مرداد ۱۳۳۰ لایحه فروش قرضه ملی را به مجلس داد و پس از تصویب، محمدعلی وارسته وزیر دارایی مامور انتشار این اوراق بود. این قرضه به مدت ۲ سال با سود شش درصد در اختیار مردم گذاشته شد. مصدق اولین کسی بود که ۲۵۰ هزار ریال قرضه ملی خرید. در ۲۰ بهمن ۱۳۳۰ محمود نیریمان از جانب دکتر مصدق به وزارت دارایی رسید. او از جمله وزرای انگشت‌شماری در تاریخ ایران است که برای خود ثروتی نیندوخت. او که تحصیلکرده دانشگاه ژنو در رشته تجارت بوده و از ابتدا در مشاغل حساس در دارایی خدمت کرده بود در زمان جنبش ملی شدن صنعت نفت یکی از همکاران صدیق مصدق درآمد. او بعد از اتمام وزارتش در نهایت عسرت در یک منزل استیجاری با حقوق بازنشستگی زندگی می کرد تا آنکه در ۱۳۴۰ بعد از مدت‌ها تعقیب از جانب عوامل کودتای ۲۸ مرداد فوت کرد و در امامزاده اسماعیل زنگنه مدفون شد. بعد از مرحوم نیریمان دو نفر دیگر به وزارت دارایی دکتر مصدق رسیدند که عبارت بودند از: باقر کاظمی که به علت کمبود امکانات مالی در اول تیرماه ۱۳۳۲ استعفا کرد. جانشین او علی مبشر که در ۳ تیر ۱۳۳۲ به عنوان فکیل دارایی مشغول کار شد و تا روز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مصدر کار گردید. با آنکه وضع مالی دولت بسیار بد بود ولی به دستور علی مبشر تمام کارمندان دارایی در مقابل انواع حوادث و بیماری‌ها و سوانح بیمه شدند و طی بخشنامه‌ای از تمام وزارتخانه‌ها و موسسات وابسته به دولت خواست تا این موضوع را در وزارتخانه خود پیاده کنند.

سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵

## یادبود

به مناسبت اول ماه مه

## روز جهانی کارگر

*سهیل آصفی*

روند تکاپوی جنبش کارگری در قلب نظام سرمایه چندان پرشتاب است که برای نخستین بار، یک سازمان کارگری در سطحی برابر با نیرومندترین سرمایه‌دار کشور به مذاکره می‌نشیند. این سازمان، جی گولد را مجبور می‌کند که در تمام مذاکرات هم‌واردی طبقه کارگر را ببیند. در این اسناد مکتوب می‌خوانیم که توده‌های زحمتکش کارگری سرانجام قهرمانی را یافته‌اند که قادر بوده قدرت زورمندتر از قدرت دولت را نیز مهار کند. «تمامی احساسات تلخ و نفرتی که طی دوسال رکود اقتصادی انباشته بود، حالا دیگر راه خود را در سازماندهی به زیر پرچم تشکیلات نیرومند «پاسداران کار» یافته بود.» این سازمان که ابتدا توسط نه کارگر پارچه‌بر ناشناس در ۱۸۶۹ میلادی با گرایش‌های مذهبی در شهر فیلادلفیا بنیان گذاشته شد، خیلی زود جامه پیشین را از تن به در آورد و روند رشد خود را آغاز کرد. همبستگی میان کارگران، سفید و سیاه، ماهر و غیرماهر خیلی زود در برنامه اصلی این جنبش توده‌ای قرار گرفت. حالا این کلان‌شهر نیویورک بود که زیر پای «برولتر صنعتی» به لرزش در می‌آمد. جنبش هشت ساعت کار در نیویورک با میتینگ بیست هزار نفری در «یونیون سکوتر» (میدان مربع) در حالی که پلیس در تمامی نقاط کلیدی شهر مستقر شده بود آغاز می‌شود. ششصد پلیس، توده‌های به هم پیوسته کارگران را می‌پایند. صد پلیس دیگر هم در ساختمان‌های اطراف پنهان شده‌اند. شهر در محاصره است. حالا چهار هزار کارگر میل ساز با شروع کار در ۸ صبح و ترک کارگاه در ساعت پنج بعد ازظهر، عللاً قانون هشت ساعت کار روزانه را در کارخانه‌های خود مستقر می‌کنند. هزار نفر کارگر پیاونواز، هفتصد و پنجاه کارگر پوست‌ساز، پانصد کارگر درشکه و واگن ساز، دویست و پنجاه کارگر مرمرکار، یکصدافریاد برمی‌آوردند: هشت ساعت کار در روز! با واکنش می سابقه کارگران در نیویورک، دیگر صنف کارگری مانند نانوایان، آجیوسازان و . . . نیز به کارزار شده و ساعات کار خود را از پانزده ساعت به دوازده ساعت در روز کاهش می‌دهند. گفته‌اند که در شیکاگو این پیکار شدیدتر از دیگر نقاط ایالات متحده بوده است. صاحبان صنایع گوشت، صنایع ماشین‌های کشاورزی و صنایع چوب و محصولات در خدمت بورژوازی به شدیدترین اقدامات برای سرکوب جنبش کارگری متوسل می‌شوند. در متون تاریخی آن روزگار آمریکا پیرامون حوادث ماه مه آمده است که روزنامه‌ها از مردم [واکنش] خواسته‌اند که سه تیر چراغ برق را با جسد یک کمونیست آتش کنند! همه باغبان را به گلوله ببندند و گردن رهبران آن‌ها را با شتاب آبلا بکنند. در اساس آمار موجود در روز اول ماه مه آن سال، چهل هزار کارگر آمریکایی به اعتصاب سراسری می‌پیوندند و این رقم با گذشت زمان اندکی دو برابر می‌شود. در دو روز اول اعتصاب اتفاق خاصی نیفتاده است اما در روز سوم ماه مه این ارتجاع است که میدان‌داری می‌کند. پلیس به روی کارگران معترض آتش می‌زند که در این حادثه حدود بیست و پنج کارگر جان باخته و نزدیک به پنجاه نفر مجروح می‌شوند. در روز چهارم ماه مه، در نظاره‌رانی که علیه خشونت پلیس بر پا می‌شود، بمبی توسط یکی از عوامل هیات حاکمه به میان تظاره‌کارندگان پرتاب می‌شود که موجب کشته شدن گروهی از کارگران و یک پلیس شد است. حالا بهانه مناسبی برای سرکوب به دست هیات حاکمه آمریکا می‌افتد. سرکوب گسترده شروع می‌شود. زندان‌ها مملو از کارگران و نیروهای مترقی شده و رهبران کارگران با مدارک ساختگی راهی پیدادگاه‌ها می‌شوند. این نیروها در زندان نیز با آپسین مد مقاومت می‌کنند. . . . سه همه ما را اعدام کنند. اما بدانید که فقط روی جرقه کوچکی با خواهید گذاشت و پشت سرتان شعله‌ها از همه جا زبانه خواهد کشید. . . . به رای دادگاه، چهار تن از رهبران کارگران بدون هیچ مدرکی به اعدام محکوم می‌شوند. نظام مجسم می‌شود. این دقیقه زمانی، «رهبان جنگجوی کارگری را از سر راه خود بر می‌دارد اما به گواه تاریخ زنده جنبش‌های مترقی، هرگز قادر نیست حتی یک گام در جهت نابودی کل جنبش و جلوگیری از جوانه زدن بذره‌ای ماندگار آن بردارد. یکی از چهار رهبر کارگری جان باخته در هنگامه اعدام فریاد می‌زند: «صدای کارگران را نمی‌توان خفه کرد.» هفت سال پس از این اعدام‌هاست که نخست‌وزیر دولتی آمریکا در یکی از رس‌واترین موضع گیری‌های خود اعلام می‌کند که «در قفسیه مزبور، عدالت به درستی اجرا نشده بود و افراد بی‌گناهی به چوبه دار سپرده شده بودند.» در پی همه این حوادث بود که سرانجام نزدیک به پانصد هزار کارگر حق هشت ساعت کار روزانه را به دست آورده و حرکت انسان را معنا می‌کنند. نمود حرکت در «کار» متجلی می‌شود و اراده‌ای می‌رود تا ابزار تولید را در دست توانمند خود گیرد. سه سال پس از این وقایع بود که اولین کنفرانس بین الملل دوم به مناسبت بزرگداشت تظاهرات اول ماه مه شیکاگو تصمیم می‌گیرد روز اول ماه مه را روز همبستگی کارگران جهان اعلام کرده و بر این گفته مبارز جان‌باخته، رزالوگزامبورگ مهر تایید زند که تغییرات در انکشاف حزبی، سایر کشورهای سرمایه‌داری را شبیه به هم عنوان می‌کرد و با آنگاره‌های مستند تاریخی خاطراتش می‌ساخت که طبقه کارگر انقلابی، خود را تنها در مقابل ارتجاع متخاصم و متشکل طبقات حاکم و حملات نیرومند آنها که متوجه اوست می‌بیند. رزا، این همه را به مثابه نشانه‌ای می‌دانست که کل این انکشاف در زمینه اقتصادی و سیاسی انجام یافته‌است. او فرمولی که موافق آن نتایج اش را با خوانشی دقیق از ساز و کارهای پیچیده نظام سرمایه، شیوه تولید و ارزش افزوده که خون این نظام است، امپریالیسم عنوان کرد.

### بخش پایانی